

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۷	مقدمه مؤلف
۱۱	یادداشت‌های کتاب‌شناسی
شرح نقشه‌ها	
۱۹	۱. ایالات و ویژگی‌های مهم جغرافیایی
۲۲	۲. مکان‌های باستان‌شناسی مهم
۲۲	۳. آسیای مرکزی در زمان اسکندر مقدونی (قرن ۴ ق م)
۲۵	۴. قرون ۳-۲ ق م: پهل، بلخ و یوئزی
۲۷	۵. قرن ۲-۱ ق م: اشکانیان، کوشان‌ها، هان و شیونگ‌نو
۳۰	۶. قرن ۳-۲ ق م: ساسانیان، کیداریان و هپتالیان
۳۲	۷. قرون ۶-۷ ق م: ساسانیان، سغد و اولین خاقانات ترک
۳۵	۸. نیمه دوم قرن ۷ م / نیمه اول قرن ۱ ق: اولین حملات عرب‌ها، خاقانات تورگش، گسترش تانگ و تبت
۳۸	۹. نیمه اول قرن ۸ م / ۲ ق: فتوحات اعراب، ترک‌ها، تانگ و تبت
۴۱	۱۰. از اواسط قرن ۸- پایان قرن ۹ م / نیمه اول قرن ۲- نیمه دوم قرن ۳ ق: اوایل دوره اسلامی در غرب، قارلق‌ها و اویغورها در شرق
۴۴	۱۱. قرن ۱۰ م / ۳-۴ ق: سامانیان، قراخانیان، اغوزها، کیمک‌ها و قبیچاق‌ها
۴۶	۱۲. مناطق مرکزی ترکستان غربی در قرن ۱۰ م / ۴ ق
۴۸	۱۳. اوایل قرن ۱۱ م / اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ ق: غزنویان، قراخانیان و سلجوقیان
۵۰	۱۴. از سال ۱۰۴۰ م / ۳۱-۴ ق تا پایان قرن ۱۱ م / ۵ ق: سلجوقیان و قراخانیان
۵۳	۱۵. نیمه اول قرن ۱۲ م / ۶ ق: سلجوقیان، قراخانیان، خوارزمشاهیان و قراختایی‌ها
۵۵	۱۶. نیمه دوم قرن ۱۲ م / ۶ ق: قراخانیان، خوارزمشاهیان، قراختایی‌ها و غوریان
۵۸	۱۷. اوایل قرن ۱۳ م / ۷ ق: غوریان، خوارزمشاهیان، قراختایی‌ها و کوچلوک‌خان
۶۱	۱۸. استیلای مغولان
۶۴	۱۹. اولوس‌های مغول در قرن ۱۳ م / ۷ ق
۶۷	۲۰. اولوس‌های مغول از اوایل قرن ۱۴ م / ۸ ق تا ظهور تیمور
۶۹	۲۱. تیمور، جغتاییان و اولوس جوچی
۷۲	۲۲. سال‌های ۱۴۰۵-۱۴۶۸ م / ۷-۸ ق: تیموریان، مغولان و ازبک‌ها
۷۵	۲۳. آسیای مرکزی و ایران در نیمه دوم قرن ۱۵ م / ۹ ق
۷۶	۲۴. سال‌های ۱۴۶۹-۱۴۹۹ م / ۳-۴ ق: تیموریان، مغولان و ازبک‌ها
۷۸	۲۵. استیلای ازبک‌ها بر ترکستان شرقی
۸۱	۲۶. نیمه اول قرن ۱۶ م (دهه ۱۵۱۰-۱۵۵۰) / ۱۰ ق: خانات ازبک، قزاق‌ها و مغولان
۸۳	۲۷. نیمه دوم قرن ۱۶ م / ۱۰ ق: عبدالله‌خان، عرب‌شاهیان و دشت قبیچاق

۸۶	۲۸. قرن ۱۷م/ ۱۱ق: اشترخانین، خوارزم، قزاق‌ها و جونقارها
۸۹	۲۹. نیمه اول قرن ۱۸م/ ۱۲ق: نادر شاه، بخارا، خوارزم، قزاق‌ها و جونقارها
۹۲	۳۰. نیمه دوم قرن ۱۸م/ ۱۲ق: بخارا، خوارزم، خوقند، قزاق‌ها و جونقارها
۹۴	۳۱. نیمه اول قرن ۱۹م/ ۱۳ق: بخارا، خوارزم، خوقند، قزاق‌ها و گسترش روسیه
۹۷	۳۲. نیمه دوم قرن ۱۹م/ ۱۳ق: استیلای روسیه بر ترکستان غربی
۱۰۱	۳۳. خوارزم در قرن‌های ۱۸ و ۱۹م/ ۱۲ و ۱۳ق
۱۰۳	۳۴. مسیرهای تجاری آسیای مرکزی در قرن ۱۷ و ۱۸م/ ۱۱ و ۱۲ق
۱۰۴	۳۵. قبایل ازبک در قرن ۱۹م/ ۱۳ق
۱۰۶	۳۶ الف. قبایل ترکمن و مهاجرت‌هایشان (قرن ۱۶-۱۹م/ ۱۰-۱۳ق)
۱۰۹	۳۶ ب. قبایل ترکمن و مهاجرت‌هایشان (قرن ۱۹-۲۰م/ ۱۳-۱۴ق)
۱۱۱	۳۷. قبایل ترکمن در اوایل قرن ۲۰م/ ۱۴ق
۱۱۱	۳۸. قبایل قزاق در اوایل قرن ۲۰م/ ۱۴ق
۱۱۳	۳۹. قبایل قرقیز در قرن ۲۰م/ ۱۴ق
۱۱۵	۴۰. بخارا در قرن ۱۹م/ ۱۳ق
۱۱۸	۴۱. سمرقند در قرن ۱۹م/ ۱۳ق
۱۲۱	۴۲. خیوه در قرن ۱۹م/ ۱۳ق
۱۲۳	۴۳. آثار تاریخی معماری اسلامی
۱۳۱	۴۴. اواخر قرن ۱۹م و اوایل قرن ۲۰م/ ۱۳-۱۴ق: ترکستان غربی تحت حکومت روسیه
۱۳۳	۴۵. انقلاب و جنگ داخلی در ترکستان غربی، سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۲۲م
۱۳۶	۴۶. تعیین حدود ملی آسیای مرکزی و ایجاد جمهوری‌های شوروی
۱۳۹	۴۷. آسیای مرکزی تا سال ۲۰۰۰م
۱۴۲	نقشه‌ها
۲۳۶	کتابنامه ترجمه فارسی
۲۳۸	نمایه افراد
۲۴۵	نمایه مکان‌ها
۲۵۴	نمایه قبایل، ادیان، سلسله‌ها و نظام‌های سیاسی
۲۶۰	نمایه القاب، مناصب، کنگره‌ها و کمیته‌ها
۲۶۱	نمایه نقشه‌ها

## مقدمه مترجم

به نماد سخت کوشی و تجسم مهربانی

خواهرم، آذر

آسیای مرکزی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی است که نقش مهمی در تکوین و تداوم هویت ایرانی در دوره باستان و نیز پس از اسلام داشته و در منابع تاریخی اعصار مختلف به جنبه‌های گوناگون این اهمیت پرداخته شده است. علاوه بر تاریخ، اکنون نیز سغد، خوارزم، تخارستان و شهرهای سمرقند، بخارا، خوقند، خجند و خیوه شکوه و میراثی مشترک را به یاد ایرانیان می‌آورد که ریشه آن در اعماق هزاره‌های تاریخ، ضامنی مطمئن برای این تداوم و پیوستگی است. هنوز هم شعر رودکی سمرقندی زبان حال ما و فرارودیان است:

بوی جوی مولیان آید همی      یاد یار مهربان آید همی  
ریگ آموی و درشتی راه او      زیر پایم پرنیان آید همی

در جای جای ادب گهربار فارسی این یگانگی و همدلی موج می‌زند که نه تنها نخبگان، بلکه عموم مردم نیز در پاسداشت این تاریخ و فرهنگ مشترک سهمی شایسته دارند. به پشتوانه این میراث غنی، خوشبختانه مطالعات و پژوهش‌های مربوط به آسیای مرکزی در جامعه علمی ایران از پیشینه خوبی بهره‌مند بوده و انتشارده‌ها کتاب و صدها مقاله گواه روشنی از این تکاپوی علمی است؛ اما هم‌زمان و بیشتر از آن پژوهشگران کشورهای آسیای مرکزی و نیز دانشمندان روسی، چینی و غربی به بررسی عمیق تاریخ و فرهنگ این منطقه توجه داشته‌اند. این پژوهش‌ها طیف گسترده‌ای از مطالعات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و باستان‌شناختی را دربر می‌گیرد که شوربختانه نتایج حاصل از آن‌ها برای جامعه علمی ایران چندان در دسترس نبوده است، به‌ویژه مطالعات چینی و روسی تقریباً برای ما ناشناخته مانده‌اند. یکی از آخرین نمونه‌های قابل توجه، انتشار مجموعه تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی است که سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در شش جلد تدوین کرده و در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۶ صادق ملک شه‌میرزادی دو جلد از آن را (در چهار مجلد مصور) به فارسی ترجمه کرده و در اختیار محققان داخلی قرار گرفته است. بررسی اجمالی این مجموعه نشان می‌دهد گرچه در دو جلد اول به جایگاه تاریخی ایران توجه شده است، اما کمبودها و نقایص جلد‌های بعدی در پرداختن به جایگاه واقعی تاریخ و فرهنگ ایرانی هشدار برای همه ماست که به تحلیل و بررسی تاریخ آسیای مرکزی بیشتر توجه کنیم تا به ماهیت ایرانی تحولات آنجا کم‌توجهی نشود. لازم به تکرار نیست که در دهه‌های اخیر این وضعیت تشدید شده و میراث ایرانی در این منطقه به عمد کم‌رنگ جلوه داده شده است.

بررسی پژوهش‌های معتبر از جمله کتابی که ترجمه آن پیش روی خواننده است، حکایت از نقش بنیادین فرهنگ ایران در تاریخ آسیای مرکزی دارد. جای‌نام‌های مختلف، کتیبه‌ها، سکه‌ها، اسناد، نسخ خطی، زبان، فرهنگ و رسوم و ده‌ها عنصر دیگر در

بازۀ زمانی هزارۀ قبل از میلاد و با فرازونشیب‌هایی تاکنون، نشان‌دهندۀ این نقش بی‌بدیل است. تردیدی نیست که حفظ و پاسداری از این میراث غنی مستلزم گسترش مطالعات علمی، تولید منابع جدید و نیز ترجمۀ پژوهش‌های معتبر است. از این رو برای رسیدن به این هدف و نیز توسعۀ مطالعات علمی در این حوزه تصمیم گرفتم *اطلس تاریخی آسیای مرکزی* نوشته یوری برگل<sup>۱</sup> را ترجمه کنم. با وجود گذشت ۱۸ سال از انتشار این کتاب، این پژوهش هنوز مرجعی معتبر و از مهم‌ترین پژوهش‌ها در حوزه اطلس‌نگاری آسیای مرکزی به شمار می‌آید. تسلط کامل نویسنده به منابع فارسی، ترکی، روسی، انگلیسی و آشنایی دقیق او با جغرافیای این منطقه که سال‌های جوانی خود را در آن گذرانده، امکان مهمی به مؤلف برای نگارش این کتاب داده است. همان‌گونه که در مقدمه گفته شده، یوری برگل برای ترسیم نقشه‌های دوره‌های مختلف تاریخی از چندین منبع محلی، روسی، انگلیسی، چینی و سایر زبان‌های اروپایی استفاده کرده است. در واقع اطلس‌نگاری او جامع‌همۀ مطالعات پیشین با خلاقیت و نوآوری‌های مهمی بوده است.

از ویژگی‌های مهم این کتاب، توضیحاتی است که برای درک بهتر نقشه‌های اطلس نوشته شده است. برخلاف اطلس‌های معمول که صرفاً بر جنبۀ بصری تکیه دارند، این کتاب برای همۀ ۴۷ نقشه توضیحات مفصل و اختصاصی ارائه داده و در واقع روایت متنی، کامل‌کنندۀ روایت بصری است که در آن تاریخ اجتماعی، جابه‌جایی اقوام و خاندان‌های حاکم، شیوه‌های تعامل یکجانشینان با صحراگردان، فرایند یکجانشینی کوچ‌نشینان و نتایج حاصل از آن و نیز مراحل توسعۀ روسیۀ تزاری در آسیای مرکزی شرح داده شده است (توالی این رویدادها در فهرست مشخص شده است). مؤلف با دقت تمام مسیرهای تجاری و نیز اطلاعات مربوط به آثار تاریخی شهرهای مختلف و حصارها، دروازه‌ها، باغ‌ها، مساجد، محله‌ها، آبراه‌ها، مزارات، قلعه‌ها، مقابر، کاروان‌سراها و ساختمان‌های مهم را بیان کرده است. شاید تنها انتقادی که بتوان به این پژوهش وارد کرد، در نظر نگرفتن زمینۀ جغرافیایی گسترده‌تر برای برخی دوره‌های تاریخی است که بر تحولات آسیای مرکزی بی‌تأثیر نبوده‌اند؛ برای مثال برگل می‌توانست برای برخی دوره‌ها همانند هخامنشیان، مغولان و تیموریان نقشه‌هایی با وسعت جغرافیایی گسترده‌تر ترسیم کند تا درک بهتر و جامع‌تری از ماهیت تحولات این منطقه به دست آید.

توجه به روایت جامع تاریخی آسیای مرکزی و ترسیم نقشه‌های همۀ دوره‌های تاریخی از هزارۀ قبل از میلاد تاکنون ویژگی دیگر این کتاب است که امکان مهمی برای پژوهشگران و دانشجویان در بازخوانی تاریخ کامل آسیای مرکزی فراهم ساخته است. همان‌گونه که گفته شد، این کتاب در مجموع جایگاه بنیادین تاریخ و فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی را مدنظر داشته است، گرچه در چند مورد کوتاهی‌هایی هم دیده می‌شود و مترجم تلاش کرده در پانویست توضیحاتی تکمیلی و اصلاحی اضافه کند؛ اما به غیر از این موارد انگشت‌شمار، در جای‌جای این کتاب بر واقعیت تاریخی نقش مهم فرهنگ و تاریخ ایران تکیه شده است، برای نمونه چندین بار بر ایرانی بودن مردم بومی آسیای مرکزی (سغدی‌ها، بلخی‌ها، خوارزمیان و مردمان پهله و استپ‌ها) تأکید شده که «امروزه اکثراً ترک شده‌اند، اما جمعیت ترک با آنکه رو به فزونی است خود را در درجات مختلفی با فرهنگ بومیان ایران وفق داده است».

در جایی دیگر آورده است: «آمودریا به طور سنتی مرز بین ایران و آسیای مرکزی محسوب می‌شد و سرزمین‌های جنوب آن به خراسان - ولایت شمال شرقی ایران - تعلق داشت؛ مرزهای سیاسی واقعی فقط در امتداد این رودخانه بودند و از زمان فتح

1. Yuri Bregel

ازبک‌ها، بخش‌هایی از خراسان در شمال کپه‌داغ و شرق مُرغاب عمدتاً به دولت‌های مختلف آسیای مرکزی تعلق داشتند. اصطلاح جغرافیایی دیگری به نام 'ترکستان' وجود داشت که بدون ربط مشخصی به آسیای مرکزی یا بخش‌های مختلف آن اطلاق می‌شد و معنای آن با تغییر ترکیب قومی جمعیت و مرزهای کشورها تغییر کرد و در واقع اطلاق آن برای دوره‌های اولیه تاریخ آسیای مرکزی یعنی زمانی که هنوز حضور هیچ ترکی از لحاظ تاریخی تأیید نشده بود، گمراه‌کننده است».

برگل بارها از تأثیرپذیری فرهنگی کوچروان آسیای مرکزی از بومیان ایران سخن می‌گوید، از جمله درباره اختراع اولین الفبای ترکی می‌نویسد: «سغدیان، مشاوران و مریبان حاکمان ترک شدند. اولین الفبای ترکی مورد استفاده در کتیبه‌های موسوم به کتیبه‌های رمزی [ارخون] متعلق به قرن ۷-۸م، احتمالاً در اواسط قرن ۷م، براساس حروف الفبای سغدی ایجاد شده است (البته نظریه‌های دیگری هم درباره منشأ آن وجود دارد)».

برخی محققان معاصر ویرانی بخش‌هایی از خیوه را به نادر شاه افشار نسبت می‌دهند، اما برگل معتقد است: «خیوه در سال ۱۷۴۰م/۱۱۵۳ق پس از گلوله‌باران شدید به تصرف نادر شاه درآمد. یکی از مورخان خیوه‌ای قرن ۱۹م/۱۳ق، ادعا می‌کند که این گلوله‌باران بیشتر ساختمان‌های شهر را تخریب کرد، اما دو بازرگان انگلیسی که در زمان محاصره خیوه در این شهر بودند، به چنین تخریبی اشاره نکرده‌اند».

نویسنده به تحولات چند سده اخیر و فرایند ایران‌زدایی در آسیای مرکزی و نیز ازبک‌پنداری سایر قبایل ترک هم توجه داشته است و می‌نویسد: «فقط پس از تعیین حدود ملی آسیای مرکزی» (← نقشه ۴۶) که در پی آن سیاست تهاجمی 'ازبک‌سازی' جمعیت ازبکستان روی داد، همه مردم ترک‌زبان (و همچنین در بسیاری موارد تاجیک‌زبان) این جمهوری به طور رسمی 'ازبک' [خوانده] شدند ... همچنین گروه‌های قبیله‌ای ترک‌زبان دیگری در قرن ۱۹-۲۰م/۱۳-۱۴ق در زمره ازبک‌ها شمرده شده‌اند، اما واضح است که خیلی زودتر به مناطق سکونت ثابت ترکستان غربی آمده بودند. برخی از آن‌ها از جمله قارلق‌ها، خلیج‌ها و 'ترک‌ها' (احتمالاً قدیمی‌ترین این گروه‌ها) با قراخانیان آمدند و برخی دیگر نظیر برلاس‌ها و جلایرها با مغولان ... و سارت‌ها (و همچنین 'جغتاییان' در ماوراءالنهر، ← نقشه ۳۵) با ازبک‌ها یکی دانسته شدند. تاجیک‌ها، کهن‌ترین گروه جمعیتی غیر مهاجر آسیای مرکزی، ابتدا تقریباً به طور کامل فراموش شده بودند». همه این‌ها می‌تواند پاسخی قاطع به فضای غبارآلود و تردیدهایی باشد که در دهه‌های اخیر برای کم‌رنگ کردن اهمیت تاریخی ایران در این منطقه مطرح شده است.

کار مهم نویسنده جانمایی واحدهای جغرافیایی، توجه به تغییر نام مکان‌های مختلف، ریشه‌شناسی بسیاری از نام‌ها، یکسان‌سازی و تبدیل همه تقویم‌ها به میلادی و نیز شرح رویدادهای این منطقه به تفکیک حوزه‌های جغرافیایی است. بدیهی است رسیدن به چنین هدفی حاصل سال‌های متمادی مطالعه و تحقیق بوده است و این مهم بدون پشتوانه نظری قابل اتکا به دست نمی‌آمد. شاید تنها ضعف کتاب در این باره حذف همه تاریخ‌های قمری و تبدیل آن‌ها به میلادی است. مشخص نیست چرا مؤلف محترم تاریخ‌های قمری را کنار میلادی حفظ نکرده است؛ از این رو مترجم در برگرداندن متن ناگزیر بود برای فهم درست رویدادها و اقناع مخاطبان ایرانی معادل قمری رویدادها را نیز کنار تاریخ میلادی اضافه کند و انجام این مهم با رجوع به منابع تاریخی میسر گشت.

ارائه تعریفی مشخص برای آسیای مرکزی نیز مزیت مهم کتاب است و به نظر می‌رسد این تعریف از سوی متخصصین جامعه جهانی پذیرفته شده است و پس از انتشار این کتاب نوعی اجماع علمی برای محدوده آسیای مرکزی ایجاد شد. برگل آسیای مرکزی را این‌گونه تعریف کرده است: «آسیای مرکزی شامل دو منطقه جغرافیایی اصلی است: بخش غربی، شامل دشت توران در

شرق دریای کاسپی و ارتفاعات قزاق در شمال آن و به سمت شرق تا کوه‌های تیان‌شان و پامیر-آلای و به سمت جنوب تا کوه‌های کپه‌داغ امتداد می‌یابد و بخش شرقی، شامل فلات‌های مرتفع حوضهٔ تاریم و حوضهٔ جونقار (که با کوه‌های تیان‌شان از یکدیگر جدا شده‌اند و در عین حال حوضهٔ تاریم به وسیلهٔ رشته کوه کانلون از فلات مرتفع تر تبت جدا شده است).»

همان‌گونه که گفته شد، متن کتاب از اعتبار پژوهشی بالایی برخوردار است و به استثنای چند مورد که یکی از آن‌ها خطای فاحش و عجیبی است، اشتباهی در آن دیده نمی‌شود. نویسنده دچار این اشتباه بزرگ شده که نام تغلق تیمور و تغلق تیموریان را به صورت نام‌های غیر مرتبط طغای تیمور و طغای تیموریان ثبت کرده است. این موضوع در صفحهٔ مربوطه تذکر داده شده است.

## معرفی یوری برگل

یوری برگل در ۱۳ نوامبر ۱۹۲۵م در مسکو زاده شد. پدرش انوش برگل (۱۹۰۳-۱۹۹۳م) اقتصاددان سیاسی برجسته شوروی بود. وی در ۱۶ سالگی همراه خانواده به فرغانه نقل مکان کرد. سال ۱۹۴۳م به ارتش شوروی پیوست و در یک واحد توپخانه ضد تانک در کریمه، بلاروس، لهستان و آلمان خدمت کرد و دو بار هم زخمی شد. پس از جنگ جهانی دوم وارد گروه تاریخ دانشگاه مسکو شد و به مطالعهٔ تاریخ خاورمیانه، آسیای مرکزی و تاریخ اسلام پرداخت، اما پاییز ۱۹۴۹م به اتهام «فعالیت ضد شوروی» که اتهامی نخ‌نما در دوران استالین بود، دستگیر و روانهٔ زندان شد و پنج سال از زندگی خود را در یک اردوگاه کار اجباری در شمال اورال گذراند. پس از آزادی، تحصیلاتش را از سر گرفت و سال ۱۹۶۱م از رسالهٔ دکترای خود در مؤسسهٔ شرق‌شناسی مسکو دفاع کرد. او سال ۱۹۵۵م با لیلیا داویدوونا روزنبرگ ازدواج کرد که آن زمان دانشجوی دکترای دانشگاه دولتی مسکو و متخصص تاریخ اجتماعی و اداری هندِ پرتغال در قرن ۱۶-۱۷م بود.

برگل در دههٔ ۱۹۶۰م و اوایل دههٔ ۱۹۷۰م با فعالیت در تدوین و انتشار مجموعهٔ ده جلدی آثار واسیلی بارتولد<sup>۱</sup> شهرت قابل توجهی پیدا کرد؛ همچنین به دلیل فعالیت در مجموعه‌های معروف به ادبیات مشرق‌زمین<sup>۲</sup> و نیز مجموعهٔ ادبیات فارسی برمبنای تألیف چارلز استوری بیشتر مشهور شد. لازم به ذکر است که مجموعهٔ اخیر به فارسی نیز ترجمه شده است.<sup>۳</sup> استوری این کتاب را بیشتر به عنوان راهنما تنظیم کرده است تا کتاب تاریخ ادبیات به معنای متعارف کلمه.

برگل در سال‌های بعد چند بورس تحصیلی برای تحقیق دربارهٔ تاریخ سیاسی، اقتصادی و قومی خیه و نیز ترکمن‌ها دریافت کرد، اما در سال ۱۹۷۴م شوروی را ترک و ۱۹۸۱م به امریکا مهاجرت کرد و در دانشگاه بلومینگتون ایندیانا در گروه مطالعات اورالیک و آلتائیک (که بعداً به مطالعات اوراسیای مرکزی تغییر نام داد) مشغول فعالیت شد. وی در آنجا بر تاریخ آسیای مرکزی، تاریخ‌نگاری و مطالعهٔ نسخه‌های خطی ترکی (زبان جغتایی) و فارسی متمرکز شد. برگل سال ۱۹۸۶-۱۹۹۷م به عنوان مدیر مؤسسهٔ مطالعات آسیای داخلی در دانشگاه ایندیانا و سال ۱۹۸۹-۱۹۹۷م به عنوان مدیر مرکز ملی منابع داخلی آسیا و اورال در همان دانشگاه کار می‌کرد؛ همچنین به عنوان ویراستار با دانشنامهٔ *ایرانیکا* همکاری داشت و هم‌زمان سردبیر ارشد خانهٔ عمومی ادبیات

1. Vasily Bartold

2. *Pamiatniki pis'mennosti vostoka*

۳. *ادبیات فارسی برمبنای تألیف چارلز استوری*، ترجمهٔ یوری برگل، مترجمان یحیی آری‌ن‌پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.

شرق در مسکو نیز بود. او در آکادمی علوم شرق‌شناسی اتحاد جماهیر شوروی، مؤسسه مطالعات پیشرفته پریستون، انجمن پیشرفت مطالعات آسیای مرکزی و انجمن مطالعات آسیای مرکزی عضویت داشت. وی علاوه بر ده‌ها مقاله، چندین کتاب نیز تألیف کرده است: ترکمن‌های خوارزم در قرن نوزدهم<sup>۱</sup>، تاریخ و مردم‌شناسی قراقالیپاق‌ها براساس آرشیوهای خانان خیره<sup>۲</sup>، ادبیات فارسی برمبنای تألیف چارلز استوری در سه جلد<sup>۳</sup>، تصحیح و ترجمه انگلیسی کتاب فردوس الاقبال<sup>۴</sup>، کتابشناسی آسیای مرکزی در دوره اسلامی در سه جلد<sup>۵</sup> و اطلس تاریخی آسیای مرکزی<sup>۶</sup>. بر گل علاوه بر این آثار، چندین کتاب و مجموعه علمی را هم سرپرستی و ویراستاری کرد و سرانجام ۱۷ اگوست ۲۰۱۶م در ۸۹ سالگی در ماساچوست امریکا از دنیا رفت.

به پاس تأثیرات علمی یوری بر گل و نیز قدردانی از تلاش‌های او، سال ۲۰۰۱م مجموعه مقالاتی با نام مطالعاتی درباره آسیای مرکزی<sup>۷</sup> که به دست پژوهشگران سرشناس آن روزگار تألیف شده بود، به وی پیشکش گردید.

### درباره ترجمه کتاب

در برگرداندن متن انگلیسی به فارسی دخل و تصرفی نشده و مترجم کاملاً به متن اصلی وفادار بوده است. مهم‌ترین چالش پیش روی مترجم ضبط درست جای‌نام‌ها و نام افراد بوده است. صورت انگلیسی این اسامی با نام اصلی آن‌ها تفاوت‌های آوایی و نوشتاری دارد، بنابراین مترجم تلاش کرده با مراجعه به منابع اصلی فارسی، عربی و ترکی ضبط درست این اسامی را استخراج کند و در ترجمه به کار گیرد. در مواردی که یقین کامل برای این تبدیل به دست نیامد یا امکان تلفظ اشتباه وجود داشت، عین عبارت انگلیسی در پانویس آورده شد. پیدا کردن ضبط درست و تاریخی اسامی مهم‌ترین و وقت‌گیرترین کار مترجم در این فرایند بود و جای خوشبختی است که با انتشار این کتاب نام افراد و مکان‌های مهم آسیای مرکزی در ۲۵۰۰ سال گذشته به صورت یکجا به زبان فارسی در دسترس محققان قرار می‌گیرد که برای مطالعات آتی نیز سودمند خواهد بود.

متن اصلی کتاب پانویس و توضیحات و ارجاع به منبع ندارد، از این رو همه توضیحات مندرج در پایین هر صفحه از مترجم است که تلاش کرده برای فهم بهتر متن به اختصار تعدادی از افراد، مکان‌ها و رخداد‌های تاریخی را توضیح دهد. امید است این کار به فهم بهتر متن کمک کرده باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، تمام تاریخ‌های ذکر شده در متن انگلیسی به گاه‌شماری میلادی است، اما در ترجمه از دوره اسلامی به بعد، همه تاریخ‌های میلادی به قمری تبدیل شده‌اند تا درک بهتری از تطبیق رویدادها صورت گیرد. برای این مهم علاوه بر نرم‌افزارهای تبدیل تقویم، از منابع اصلی فارسی و عربی درباره تاریخ این دوره‌ها نیز استفاده شده است. همچنین برای سهولت دسترسی خواننده به داده‌های مورد نیاز نمایه در پنج بخش افراد؛ مکان‌ها؛ قبایل، ادیان، سلسله‌ها و نظام‌های سیاسی؛ القاب، مناصب، کنگره‌ها و کمیته‌ها و نمایه نقشه‌ها به آخر کتاب اضافه شده است. لازم به توضیح است که این نمایه صرفاً متن اصلی را دربر می‌گیرد و نقشه‌ها را شامل نمی‌شود.

1. Bregel, 1961.

2. Idem., 1967.

3. Idem., 1972.

4. Idem., 1988.

5. Idem., 1995.

6. Idem., 2003.

7. *Studies on Central Asian History in Honour of Yuri Bregel*, ed., Devin DeWeese, Bloomington: Indiana University, Research Institute for Inner Asian Studies, 2001, X (Indiana University Uralic and Altaic Series 167).

## نقشه‌ها

مؤلف محترم در این پژوهش ۴۷ نقشه از دوره‌های مختلف تاریخی آسیای مرکزی ترسیم کرده و در مقدمه کتاب منابع به کار رفته برای ترسیم این نقشه‌ها را به تفکیک نام برده است. از آنجا که همه نقشه‌ها به انگلیسی بودند، تصمیم گرفتم برای هماهنگی بیشتر متن و نقشه، داده‌های موجود در نقشه‌ها را نیز به فارسی برگردانم تا برای اولین بار مرجع مهمی در این زمینه به زبان فارسی در اختیار پژوهشگران قرار گیرد. تمام نقشه‌ها رنگی بوده و ویژگی‌های اساسی توپوگرافی از جمله باتلاق‌ها، کوه‌ها و پشته‌ها، بیابان‌ها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و مسیر آن‌ها مشخص شده است. در ترجمه نیز همه این موارد نشان داده شده و در مقیاس، رنگ، کیفیت، علائم، اختصارات و سایر مشخصات نقشه‌ها هیچ تغییری صورت نگرفته، فقط اسامی مندرج در آن‌ها به فارسی برگردانده شده‌اند.

گودرز رشتیانی

تهران - خرداد ۱۴۰۱



## مقدمه مؤلف

معنای جغرافیایی و تاریخی اصطلاح «آسیای مرکزی» به اندازه آسیا یا شبه‌قاره هند واضح نیست و لازم است تعریفی برای آن ارائه شود. قبلاً در مقدمه کتابشناسی آسیای مرکزی اسلامی<sup>۱</sup> آن را تعریف کردم و چون از آن زمان تاکنون هیچ تعریف جدیدی در ادبیات علمی برای آن ارائه نشده است، در اینجا نیز همان تعریف را با اندکی اصلاح تکرار خواهم کرد. آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیایی از دریای کاسپی و حوضه رودخانه اورال در غرب تا کوه‌های آلتای و واحه تورفان در شرق و از مرزهای کمربند استپ (جنگل‌های سیبری غربی، تایگا) در شمال تا کوه‌های هندوکش و کپه‌داغ در جنوب گسترده شده است، اما جغرافیای فیزیکی (و حتی کمتر از آن، نقشه سیاسی معاصر آسیا) به خودی خود نمی‌تواند معرف این منطقه باشد، بلکه باید آن را به منزله یک نهاد فرهنگی و تاریخی متمایز در نظر گرفت. از این دیدگاه می‌توان آسیای مرکزی را به عنوان بخش غربی و ترکی-ایرانی نواحی درونی آسیا تعریف کرد که جمعیت بومی آن شامل اقوام مختلف ایرانی است که امروزه اکثراً ترک شده‌اند، اما جمعیت ترک با آنکه رو به فزونی است خود را در درجات مختلفی با فرهنگ بومیان ایران وفق داده است. از قرن ۸م آسیای مرکزی به تدریج بخشی از دنیای اسلام شد (فرایندی که امروزه این منطقه را از بخش شرقی نواحی درونی آسیا، یعنی مغولستان و تبت متمایز می‌سازد). این منطقه به عنوان بخشی از دنیای اسلام، ویژگی‌های فرهنگی مشترک زیادی با همسایگان اسلامی خود در جنوب و غرب دارد که به نحوی بی‌نظیر با خصوصیات جهان کوچ‌نشینان آسیای مرکزی تلفیق شده است. این منطقه به هر دوی این دنیاها تعلق دارد و به منطقه‌ای مرزی برای هر یک از آنها تبدیل شده است.

ادبیات غربی موجود، اعم از علمی و غیرعلمی، نیاز محقق به نقشه تاریخی آسیای مرکزی را مرتفع نمی‌کند و به دست آوردن درک درستی از تاریخ آسیای مرکزی بدون مطالعه علمی آن دشوار است. نقشه‌های گوناگونی به صورت پراکنده در نوشتارهای غربی مرتبط با آسیای مرکزی یافت می‌شود که معمولاً به مناطق محدود یا دوره‌های زمانی خاص مربوط می‌شوند و در بیشتر موارد رضایت‌بخش نیستند. نقشه‌های برخی نشریات روسی مربوط به دهه ۱۹۴۰-۱۹۷۰م اغلب بهترند،<sup>۲</sup> اما این نقشه‌ها نیز کل آسیای مرکزی را (آن‌گونه که در بالا تعریف شد) نشان نمی‌دهند و فقط دوره‌های زمانی خاصی را پوشش می‌دهند. اغلب در پژوهش‌های تاریخ آسیای مرکزی نام‌های جغرافیایی فراوانی یافت می‌شود که در نقشه‌های مدرن و جدید دیده نمی‌شود و حتی در پژوهش‌های مربوط به جغرافیای تاریخی این منطقه نیز هیچ نقشه‌ای ارائه نشده است.

اطلس تاریخ اسلام منتشرشده در سال ۱۹۸۱م،<sup>۳</sup> دو نقشه جزئی از آسیای مرکزی دارد.<sup>۴</sup> نسخه جدید و بازنگری شده این اطلس که سال ۲۰۰۲م منتشر شد،<sup>۵</sup> حاوی جزئیات بیشتری درباره آسیای مرکزی است. در نسخه جدید علاوه بر دو نقشه‌ای که

1. Pt. I, Bloomington, Indiana: Research Institute for Inner Asian Studies, 1995, pp. VII-VIII.

2. Especially noted should be the maps attached to the multi-volume *Ocherki istorii SSSR*, Moscow, 1953-1956, and in particular, maps accompanying the collected works (Sochineniya) by V. V. Bartold (in a separate envelope attached to Vol. IX, Moscow, 1977; prepared by O. G. Bol'shakov).

3. Ed. by William C. Brice, Leiden: Brill.

4. "Transoxiana in the 10th & 11th centuries" (p. 24a) and "The Kh<sup>w</sup>arazm Shahs and Ghurids" (p. 24b); in addition, two general maps of the Middle East, in the mid-18th and in the 19th and early 20th centuries (pp. 26-27) include a part of Central Asia.

5. *An Historical Atlas of Islam*, ed. by Hugh Kennedy, Brill: Leiden-Boston-Köln.

از نسخه قبلی بازنشر شده‌اند، دو نقشه «ماوراءالنهر در زمان تیموریان و ازبک‌ها حدود سال ۹۰۵-۱۵۰۰م» و «ماوراءالنهر در قرن ۱۳-۱۹م» (ص 42a و 42b) برای دوره‌های زمانی بعد و نقشه‌های مرو و هرات (۱۴۴۷م/ ۸۵۰ق) (ص 43a و 43b) گنجانده شده است. *اطلس تاریخ چین* که آلبرت هرمن ترسیم کرده، در برخی نقشه‌های آسیای مرکزی یا بخش‌هایی از آن را نشان داده است،<sup>۱</sup> اما این نقشه‌ها تا حدودی چین محور هستند و اکنون منسوخ شده‌اند.<sup>۲</sup> جدیدترین مجموعه نقشه‌های تاریخی آسیای مرکزی با نام *اطلس تاریخ ازبکستان* در سال ۱۹۹۹م در تاشکند منتشر شده است. این اطلس ۲۱ نقشه دارد که ۱۷ مورد از آن‌ها نقشه‌های تاریخی آسیای مرکزی است و رتولادزه و حکیموف<sup>۳</sup> آن‌ها را ترسیم کرده‌اند.

هنگامی که سال ۱۹۸۱م دوره تحصیلات تکمیلی تاریخ آسیای مرکزی را در دانشگاه ایندیانا آغاز کردم، هیچ نقشه قابل استفاده‌ای به زبان انگلیسی وجود نداشت و مجبور شدم نقشه‌های خاص خودم را ترسیم کنم و آن‌ها را برای تفهیم و شفاف‌سازی مطالب در کلاس نشان دهم. نقشه‌هایی که با دست ترسیم کرده بودم از سوی دو تن از دانشجویانم در مقطع کارشناسی ارشد به نام‌های رایان گلیا و جان مک کین در سال ۱۹۹۹م به فایل‌های رایانه‌ای تبدیل و سپس در سال ۲۰۰۰م (به صورت رنگی) منتشر شدند.<sup>۴</sup> کتابی که منتشر شد حاوی ۱۱ نقشه بود که دقت بالایی نداشتند، اما بسیار مورد توجه قرار گرفتند و از بازخورد خوانندگان متوجه شدم که هم متخصصان و هم عموم مردم به نقشه‌های دقیق‌تری که همه تاریخ آسیای مرکزی را پوشش دهد، نیاز دارند. در نتیجه، کار روی این اطلس را در سال ۲۰۰۰م شروع کردم و فوریه ۲۰۰۳م به اتمام رساندم.

فهرست منابع به کار رفته برای ترسیم این نقشه‌ها بسیار طولانی‌تر از آن است که در اینجا بتوان ذکر کرد. این فهرست همه بررسی‌های کلی اطمینان‌بخش درباره تاریخ آسیای مرکزی و کارهای پژوهشی مربوط به موضوعات تاریخی خاص با اطلاعات قابل توجه تاریخی-جغرافیایی، با نقشه و بدون نقشه، را دربر می‌گیرد. بیشتر منابع به کار رفته برای ترسیم نقشه‌ها در یادداشت‌های کتاب‌شناسی هر یک از آن‌ها که در ادامه می‌آید، ذکر شده‌اند. این یادداشت‌ها همچنین حاوی ارجاعاتی به کارهای دیگر (عمدتاً بررسی‌های کلی) هستند که خواننده می‌تواند در آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره دوره‌های زمانی مدنظر بیابد. اطلاعات کتاب‌شناسی دقیق‌تر درباره دوره اسلامی (قرن ۸م تا سال ۱۹۱۷م) را می‌توان در کتاب‌شناسی فوق‌الذکر آسیای مرکزی یافت.

برای آسان‌تر شدن تلفظ نام‌های عربی و فارسی برای خوانندگان غیرمتخصص آن‌ها را ساده کرده‌ام. در این نقشه‌ها از شیوه‌نامه *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*<sup>۵</sup> برای حروف بی‌صدا، اما بدون علائم شاخص (اعراب) استفاده و همچنین K با Q و Dj با

1. New edition, Chicago: Aldine Publishing Co., 1966 (the first edition published in 1935 under the title *Historical and Commercial Atlas of China*), includes Central Asia, or parts of it, on a number of maps: pp. 10-11 ("The Hsiung-nu or Huns in Central Asia, 176 B. C." and "128-36 B. C."); p. 16 ("China in Central Asia, 114 B. C.-127 A. D."); pp. 18-19 ("Asia, ca. 100 A. D."); p. 23 ("Eastern, Central and Southern Asia, ca. 440 A. D."); pp. 26-27 ("Asia, ca. 610 A. D."); pp. 30-31 ("Asia, ca. 750 A. D."); p. 32 ("China in Central Asia, 660 A. D."); pp. 38-39 ("Eastern, Central and Southern Asia, 1141 A. D."); p. 40 ("Beginnings of the Mongol Empire—boundaries of 1234 A. D."); pp. 42-43 ("Asia under the Mongols, 1290 A. D."); pp. 46-47 ("Asia during the Ming dynasty—boundaries of 1415 A. D."); pp. 48-49 ("Eastern, Central and Southern Asia, 1760 A. D."); p. 50 ("Chinese Turkistan, 1820 A. D."); p. 51 ("The Manchu Empire and the European powers, 1644-1912 A. D.").
2. Cf. The critical discussion by Paul Wheatley in the new edition, pp. vi-xxix.
3. E. V. Rtveladze and N. H. Hakimov.
4. *Historical maps of Central Asia: 9th-19th centuries A. D.*, ed. by Yu. Bregel, Bloomington, Indiana: Research Institute for Inner Asian Studies, 2000 (Papers on Inner Asia, Special Supplement).
5. *Encyclopaedia of Islam*

J جایگزین می‌شود. تنها علائم خاص به کار رفته در اینجا عبارت‌اند از: «ا» برای «عین» و علامت «<sup>2</sup>» (به ندرت) برای همزه. به علل مختلف گاهی اوقات آوانگاشت حروف صدادار چندان مطابقت ندارد (اما احتمالاً به تلفظ آن‌ها نزدیک تر است). بر این اساس حرف A به صورت A یا E، حرف I به صورت I یا E، U به صورت U یا O و AY به صورت AY یا EY تلفظ می‌شود. در آوانگاشت نام‌های ترکی حروف Ä، Æ، Ö و Ü استفاده می‌شوند و در آوانگاشت نام‌های روسی شیوه‌نامه کتابخانه کنگره با در نظر گرفتن تغییرات زیر به کار می‌رود: ДЖ به عنوان J (به جای DZH)، Ў به عنوان Y (به جای Û)، Ё به عنوان E (به جای È)، Ю به عنوان IU و بعد از حروف بی صدا به عنوان IA و بعد از حروف صدادار به عنوان YA تلفظ می‌شود. در نقشه‌های قرن ۱۹-۲۰ آسیای مرکزی تحت حاکمیت روسیه، نام‌های جغرافیایی به زبان روسی درج شده است؛ از این رو Kokand (خوقند) به جای Qoqand، Ashqabad (عشق آباد) به جای Ashqabad، Kizil-Arvat (قرل‌اروات) به جای Qizil-Arvat، و ... (اما از Samarqand نه Samarkand برای سمرقند) استفاده می‌شود. همچنین املائی رسمی نام شهرها (اما نه رودخانه‌ها) در نقشه ۴۷ آمده است. برای نام‌های چینی از رومی‌سازی پنین<sup>۱</sup> استفاده می‌شود و در چندین مورد نیز آوانگاشت‌های قدیمی سیستم وید-جایلز<sup>۲</sup> (که اغلب برای دانشجویان مطالعات آسیای مرکزی آشنا ترند) داخل پراکنش می‌آید.

اصطلاحات «ترک» و «ترک‌ها» برای امپراتوری‌های استپی قرون ۶-۸م (که در نوشتارهای علمی به نام خاقانات نامیده می‌شوند) و گروه‌های جمعیتی غالب آن‌ها به کار می‌رود؛ برای همه گروه‌های قومی دیگر که به خانواده زبانی یکسانی تعلق دارند نیز اصطلاحات «ترک‌ها» و «ترکی» به کار گرفته می‌شود.

مبنای جغرافیایی بیشتر نقشه‌ها، نقشه آسیای مرکزی مندرج در اطلس اتحاد جماهیر شوروی است که سال ۱۹۶۲م در مسکو منتشر شده است (اطلس SSSR، نقشه ارائه شده در ص ۲۲-۲۳). نقشه‌هایی که در آن‌ها از نقشه‌های پایه دیگری استفاده شده در یادداشت‌های کتاب‌شناسی پایین نقشه ذکر شده است. همچنین به علل فنی نمی‌توان از خطوط شبکه‌بندی جغرافیایی (خطوط موازی و نصف‌النهار) استفاده کرد و شبکه‌بندی جغرافیایی نشان داده شده روی نقشه‌ها صرفاً برای شاخص گذاری است.

این نقشه‌ها برخی عناصر بنیادین تاریخ سیاسی و قومی آسیای مرکزی از جمله ایالت‌های دارای سکونت ثابت (که نام‌های این ایالت‌ها یا سلسله‌های حاکم بر آن‌ها داده می‌شود)، حکومت‌های کوچروان و مهم‌ترین قبایل با مهاجرت‌هایشان، مسیر لشکرکشی‌های نظامی و محل جنگ‌های مهم، شورش‌های مهم و مرزها را نشان داده‌اند. این دسته آخر نیازمند توضیحات بیشتری است. این دیدگاه وجود دارد که در تاریخ اسلام اغلب مرزهای سیاسی به سرعت تغییر می‌کردند و سلسله‌ها و حکومت‌ها ظاهر و ناپدید می‌شدند، در نتیجه نشان دادن این مرزها روی نقشه با خطوط مشخص سبب گمراهی و گیجی خواننده خواهد شد؛ اما این دیدگاه همیشه و حداقل برای آسیای مرکزی صدق نمی‌کند. در اواخر قرن ۱۹م بود که مرزهای «ثابت» در توافق‌نامه‌های بین هر دو کشور تعیین و پاسگاه‌های مرزی مناسبی در این مناطق دایر شد؛ گرچه چند قرن قبل ایالت‌های مختلف آسیای مرکزی به طور معمول چنین توافق‌نامه‌هایی امضا می‌کردند و با شیوه محافظت از مرزهای خود که معمولاً از طریق گشت‌های مرزی انجام می‌شد

۱. پنین (Pinyin) به شیوه نوشتن کلمات چینی با حروف انگلیسی گفته می‌شود - م.

۲. وید-جایلز (Wade-Giles) روش رومی‌سازی زبان چینی با استفاده از الفبای لاتین است که اولین بار در قرن ۱۹م از سوی هربرت الن جایلز و توماس فرانسیس وید (Herbert A. Giles & Thomas Francis Wade) به کار گرفته شد - م.

آشنا بودند (این گونه گشت‌های سیار حتی در استپ‌های آسیای مرکزی هم وجود داشتند). مسئله این نیست که مرزها به سرعت تغییر می‌کردند، بلکه اینجاست که اغلب دقیقاً نمی‌دانیم این مرزها در چه جاهایی ترسیم می‌شدند. در نبود اطلاعات دقیق (که برای بیشتر و البته نه همه موارد چنین است) می‌توان مرزهای هر حکومت را بر مبنای اطلاعات مربوط به استان‌های تاریخی موجود در آن تعیین کرد، زیرا مرزهای این استان‌ها معمولاً شناخته شده بودند و در منابع ذکر می‌شدند و بیشتر بر مرزهای طبیعی نظیر رودخانه‌ها و رشته‌کوه‌ها منطبق می‌گشتند. در هر صورت باید توجه داشت که مرزهای سیاسی مشخص شده روی نقشه‌های قبل از قرن ۱۹م در این اطلس‌ها همیشه تقریبی و اغلب فرضی هستند، حتی اگر با خطوط پررنگ نشان داده شده باشند.

تاریخچه قومی آسیای مرکزی تقریباً در همه نقشه‌ها منعکس شده است، به ویژه در نقشه‌های ۳۶-۳۹ که توزیع قبایل ازبک، ترکمن، قزاق و قرقیز را در اواخر قرن ۱۹م و نیمه اول قرن ۲۰م نشان می‌دهد. خواسته من این بود که یک نقشه قومی کلی از آسیای مرکزی (که می‌توانست بر پایه دو نقشه قومی شوروی منتشر شده در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۲م باشد) نیز گنجانده شود، اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که این نقشه‌ها ایده‌ای درباره ترکیب قومی جمعیت مقیم آسیای مرکزی قبل از سال ۱۹۱۷م به دست نمی‌دهند و همچنین نمی‌توانند به طور قابل اطمینانی توزیع کنونی جمعیت مقیم را نشان دهند.

هر نقشه متنی توضیحی دارد که حاوی مهم‌ترین حقایق تاریخچه سیاسی و قومی آن است. این متن‌ها برای امکان‌پذیر کردن بررسی کلی تاریخ آسیای مرکزی ارائه نشده‌اند، زیرا جنبه‌های مهم معینی از این تاریخ (از جمله مذهب) را نمی‌توان به حد کافی با این نقشه‌ها نشان داد. هدف اصلی این متن‌ها آن است که خواننده بتواند از برخی اطلاعات پایه درباره رویدادها و فرایندهای سیاسی مهم که طی هر دوره زمانی روی نقشه‌ها نشان داده شده، استفاده کند؛ در این متن‌ها به ندرت به تاریخ فرهنگی اشاره می‌شود.

همه این نقشه‌ها را ابتدا من به صورت دستی ترسیم کرده‌ام و سپس طراحان گرافیک گروه «خدمات پشتیبانی آموزش دانشگاه ایندیانا، بلومینگتون» آن‌ها را اسکن و به فایل‌های رایانه‌ای تبدیل کرده‌اند.

در اینجا می‌خواهم از همه کسانی که در تهیه این اطلس‌ها به من کمک کردند، سپاسگزاری کنم: بهووا نارایان به خاطر کمک در برنامه‌ریزی این کتاب؛ پروفیسور النا دیویدویچ (از مؤسسه مطالعات شرقی، مسکو) به دلیل ارائه مشاوره‌هایی درباره رویکرد کلی نقشه‌ها و همچنین برخی مسائل ویژه تاریخ پیش از مغول؛ پروفیسور بوریس لیتوینسکی (از مؤسسه مطالعات شرقی، مسکو) و دکتر الکساندر نایمارک (از دانشگاه هوفسترا) برای ارائه پیشنهادات متعدد درباره نقشه‌های مربوط به باستان‌شناسی، تاریخ پیش از اسلام و تاریخ اوایل اسلام؛ پروفیسور کلیفورد ا. بازورث (از دانشگاه منچستر) برای اشتراک گذاری دیدگاه‌های خود درباره وضعیت برخی مناطق کوهستانی آسیای مرکزی در قرن‌های ۱۰-۱۲م؛ پروفیسور الیوت اسپلینگ (از دانشگاه ایندیانا) به خاطر مشاوره درباره رونویسی همه نام‌های چینی به کار رفته در نقشه‌ها و متن‌ها؛ پروفیسور ویلیام فیومن (از دانشگاه ایندیانا) برای ارائه اطلاعاتی درباره نقشه خطوط لوله گاز و نفت به کار رفته در نقشه ۴۷؛ دکتر رومن زلاتین (از دانشگاه ایندیانا) برای تهیه آوانگاشت نقشه‌های سال ۱۹۲۳-۱۹۲۶م شوروی از آسیای مرکزی که در نقشه ۴۶ به کار رفته‌اند؛ پروفیسور دیوین دیویس (از دانشگاه ایندیانا) به دلیل نکات ویرایشی و اصلاحی بسیار ارزشمند برای متن‌های مربوط به نقشه‌ها؛ ساتیش پای و ناتالیا برگل (از بوستون) برای بررسی دقیق این متون؛ همسرم لیلیا (لیوسیا) که به شیوه‌های مختلف از کار من پشتیبانی کرد و هنگامی که تقریباً همه سطوح افقی خانه (به جز کف) را برای ترسیم نقشه‌ها به کار گرفتم، صبورانه این وضعیت را تحمل کرد. به طور ویژه از طراحان گرافیک در مرکز خدمات گرافیک دانشگاه ایندیانا، سوزان هال، ر. برایان اسمیت و اسکات تیلور که کارهای بسیار خوبی در آماده‌سازی

نسخه رایانه‌ای نقشه‌ها برای چاپ انجام دادند و بنابر درخواست‌های من اصلاحات متعددی را اعمال کردند تا نقشه‌ها شکل نهایی خود را پیدا کرد، تشکر می‌کنم. در پایان از دانشگاه ایندیانا به دلیل حمایت مالی سپاسگزارم. این حمایت امکان کمک گرفتن از طراحان گرافیک را فراهم کرد، زیرا بدون کمک این طراحان، تکمیل این کار در چنین مدت کوتاهی برای من بسیار دشوار بود.

یوری برگل

بلو مینگتون، ایندیانا

فوریه ۲۰۰۳

## یادداشت‌های کتاب‌شناسی

در این منبع می‌توانید کتاب‌شناسی دقیقی درباره دوره اسلامی (نقشه‌های ۹-۴۴)، شامل تک‌نگاری‌ها و مقالات منتشر شده قبل از سال ۱۹۸۹م، بیابید: *Bibliography of Islamic Central Asia*, compiled and edited by Yu. Bregel, pt. I-III, Bloomington, Indiana: Research Institute for Inner Asian Studies, 1995 (Indiana University Uralic and Altaic Series, Vol. 160).

در یادداشت‌های زیر فقط منابع مربوط به نقشه‌برداری و نیز برخی کارهای عمومی و مرجع (عمدتاً به زبان انگلیسی) که در کتاب‌شناسی فوق یاد نشده‌اند، ارائه می‌شوند.

نقشه‌های زیر به عنوان مبنای جغرافیایی به کار رفته‌اند:

- برای نقشه‌های ۱-۱۲، ۱۴-۱۶، ۱۸-۳۲، ۳۴-۳۹، ۴۵: نقشه "Sredniaya Aziya Kazakhstan" در: *Atlas SSSR*, Moscow, 1962, pp. 22-23  
- برای نقشه‌های ۲، ۴۳، ۴۷: نقشه "Kazakhstan i Sredniaya Aziya" در: *Atlas SSSR*, Moscow, 1984, pp. 60-61 با اصلاحاتی بر پایه نقشه‌های آسیای مرکزی در *The Times Atlas of the World*, 9th comprehensive edition, London, 1994, plates 27 and 43  
- برای نقشه‌های ۱۳ و ۱۷: نقشه آسیا منتشر شده از سوی National Geographic Society (March 1971)  
- برای نقشه‌های ۴۴ و ۴۶: هفت نقشه "Rossiya: Aziatskaya chast" and "RSFSR (SSSR): Aziatskaya chast" منتشر شده در Petrograd (Leningrad) in 1923-1926  
همچنین از سه نقشه ارائه شده از سوی ا. ج. بلشاکف که ضمیمه کارهای گردآوری شده از طرف و. و. بارتولد (← پیشگفتار) است، نیز استفاده شده: "Sredniaya Aziya v IX-XIII vv", "Sredniaya Aziya XIX-nach. XX v.," and "Vostochniy Turkestan i vostochnaya Sredniaya Aziya v srednie veka"

### نقشه ۱

این نقشه بر مبنای نقشه فیزیکی آسیای مرکزی منتشر شده در *Atlas SSSR*, Moscow, 1962, pp. 22-23 است. شهرها مطابق با وضعیت اواسط قرن ۱۹م ترسیم شده‌اند.

برای مطالعه بیشتر درباره ویژگی‌های آسیای مرکزی، رجوع کنید به:

R. N. Taaffe, "The geographic setting", in: *The Cambridge history of early Inner Asia*, ed. by D. Sinor, Cambridge: Cambridge University Press, 1990, pp. 19-40.

"Central Asia: I. Geographical survey", in: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V, 1992, pp. 159-161.

### نقشه ۲

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنای نداشت، اما نقشه‌های زیر در دسترس بود و نگارنده از آن‌ها بهره برد:

*Sredniaya Aziya v rannem srednevekov'e*, ed. by G. A. Brikina, Moscow: Nauka, 1999 (*Sredniaya Aziya i Dal'niiy Vostok v epokhu srednevekov'ya*) (maps on pp. 51, 79, 94, 115, 132, 145, 152, 164).

*History of civilizations of Central Asia*, Vol. II, ed. by J. Harmatta, B. N. Puri and G. F. Emadady, Paris: UNESCO, 1994 (maps 3, 4, 6, 7).

*History of civilizations of Central Asia*, Vol. III, ed. by B. A. Litvinsky, Zhang Guang-da and R. Shabani Samghabadi, Paris: UNESCO, 1996 (maps 1, 2, 5-7).

نقشه باستان‌شناسی خوارزم در پیوست کتاب:

S. P. Tolstov, *Po sledam drevnekhorezmiyskoy tsivilizatsii*, Moscow-Leningrad, 1948.

Nizov'ya Amu-Dar'i, Sarikamish, Uzboy: Istoriya formirovaniya i zaseleniya, Moscow, 1960 (Materiali Khorezmskoy èkspeditsii, fasc. 3) (map after p. 146).

Yu. F. Buriakov, *Istoricheskaya topografiya drevnikh gorodov Tashkentskogo oazisa (Istoriko-arkheologicheskiy ocherk Chacha i Ilaka)*, Tashkent, 1975 (map on p. 13).

برای دیدن تحقیقات کلی و مختصر دربارهٔ باستان‌شناسی آسیای مرکزی، رجوع کنید به:

V. M. Masson, "Archeology V. Pre-Islamic Central Asia", in: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, 1987, pp. 308-317.

G. A. Pugachenkova and E. V. Rtveladze, "Archeology VII. Islamic Central Asia", in: *Ibid.*, pp. 322-326.

N. H. Dupree, "Afghanistan VIII. Archeology", in: *Ibid.*, Vol. I, 1985, pp. 530-544.

*Vostochniy Turkestan v drevnem i rannem srednevekov'e. Ocherki istorii*, ed. by S. L. Tikhvinskiy and B. A. Litvinskiy, Moscow, 1988, pp. 17-78 (map on p.18).

### نقشهٔ ۳

بر پایهٔ نقشه‌های ارائه‌شده در مفصل‌ترین تحقیق دربارهٔ حملهٔ اسکندر در منبع زیر:

J. Seibert, *Die Eroberung des Perserreiches durch Alexander den Grossen*, [pt. 2] *Karten*, Wiesbaden, 1985 (Beihefte zum Tübinger Atlas der Vorderen Orients, Reihe B, No. 68), maps 23-24.

برای دیدن منابع دیگر دربارهٔ این دوره، رجوع کنید به:

A. H. Dani, "Alexander's campaign in Central Asia", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. II, ed. by J. Harmatta, B. N. Puri, and G. F. Etemadi, Paris: UNESCO, 1994, pp. 67-88.

P. Briant, "Alexander the Great", in: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I, 1985, pp. 827-830.

### نقشهٔ ۴

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت. برای دیدن تحقیقات کلی دربارهٔ این دوره، رجوع کنید به:

P. Bernard, "The Greek kingdoms of Central Asia", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. II, ed. by J. Harmatta, B. N. Puri, and G. F. Etemadi, Paris: UNESCO, 1994, pp. 99-129.

G. A. Koshelenko and V. A. Pilipko, "Parthia", *Ibid.*, pp. 131-150.

K. Enoki, G. A. Koshelenko and Z. Haidary, "The Yüeh-chih and their migrations", *Ibid.*, pp. 171-189.

P. Leriche, "Bactria. i. Pre-Islamic Period", in: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I, 1985, pp. 339-343.

### نقشهٔ ۵

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت. برای دیدن تحقیقات کلی دربارهٔ این دوره، رجوع کنید به:

Ma Yong and Sun Yutang, "The Western Regions under the Hsiung-nu and the Han", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. II, ed. by J. Harmatta, B. N. Puri, and G. F. Etemadi, Paris: UNESCO, 1994, pp. 227-246.

B. N. Puri, "The Kushans", *Ibid.*, pp. 247-263.

N. N. Negmatov, "States in north-western Central Asia", in: *Ibid.*, pp. 441-456.

Y. A. Zadneprovskiy, "The nomads of northern Central Asia after the invasion of Alexander", in: *Ibid.*, pp. 457-472.

Ying-shih Yü, "The Hsiung-nu", in: *The Cambridge history of early Inner Asia*, ed. by D. Sinor, Cambridge: Cambridge University Press, 1990, pp. 118-149.

برای کسب اطلاعات دربارهٔ وقایع‌نگاری «کوشانیان»، رجوع کنید به:

J. Cribb, "The early Kushan kings: new evidence for chronology. Evidence from the Rabatak Inscription of Kanishka I", in: *Coins, art, and chronology: Essays on the Pre-Islamic history of the Indo-Iranian borderlands*, ed. by M. Alram and D. E. Klimburg-Salter, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften, 1999, pp. 177-205.

### نقشه‌های ۶-۱۰

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت. برای دیدن تحقیقات کلی دربارهٔ این دوره، رجوع کنید به:

### نقشهٔ ۶

A. H. Dani and B. A. Litvinsky, "The Kushano-Sasanian kingdom", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. III, ed. by B. A. Litvinsky, Zhang Guang-da and R. Shabani Samghabadi, Paris: UNESCO, 1996, pp. 103-118.

E. V. Zeimal, "The Kidarite kingdom in Central Asia", in: *Ibid.*, pp. 119-133.

B. A. Litvinsky, "The Hephthalite Empire", in: *Ibid.*, pp. 135-161.



Zhang Guang-da, "The city-states of the Tarim basin", in: *Ibid.*, pp. 281-301.  
*Idem.*, "Kocho (Kao-ch'ang)", in: *Ibid.*, pp. 303-314; L. R. Kyzlasov, "Northern nomads", in: *Ibid.*, pp. 315-325; A. D. H. Bivar, "Hayātila", in: *The Encyclopaedia of Islam*, new ed, Vol. III, 1971, pp. 303-304.

#### نقشه ۷

D. Sinor, "The First Türk Empire (553-682)", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. III, pp. 327-335.  
D. Sinor, "The establishment and dissolution of the Türk empire", in: *The Cambridge history of early Inner Asia*, ed. by D. Sinor, Cambridge: Cambridge University Press, 1990, pp. 285-310.

همچنین رجوع کنید به:

G. Goibov, *Rannie pokhodi arabov v Sredniuyu Aziyu (644-704 gg.)*, Dushanbe, 1989.

#### نقشه ۸

S. G. Klyashtorny, "The second Türk Empire", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. III, pp. 335-347; D. Sinor, "The establishment and dissolution of the Türk empire", in: *The Cambridge history of early Inner Asia*, pp. 310-316.

#### نقشه ۹

A. H. Jalilov, "The Arab conquest of Transoxania", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. III, pp. 456-465.

#### نقشه ۱۰

C. Mackerras, "The Uighurs", in: *The Cambridge history of early Inner Asia*, pp. 320-342.

#### نقشه‌های ۱۱-۱۲

این نقشه‌ها تا حدی بر مبنای نقشه ارائه شده در *An Historical Atlas of Islam*, map 24 (a) است (که در نسخه جدید این اطلس به عنوان نقشه ۴۱ الف بازنویسی شده است). همچنین برای دیدن بررسی دقیق جغرافیای تاریخ جنوب آسیای مرکزی (البته بدون نقشه) رجوع کنید به:  
Sh. S. Kamaliddinov, *Istoricheskaya geografiya yuzhnogo Sogda i Tokharistana po araboyazichnim istochnikam IX-nachala XIII vv.*, Tashkent: Uzbekiston, 1996 (without maps!).

از نقشه‌های منابع زیر نیز استفاده شده است:

*The Cambridge History of Iran*, Vol. 4, Cambridge: Cambridge University Press, 1975, pp. 93 (map 2) and 139 (map 3).

*Istoriya tajikskogo naroda*, Vol. II/1, Moscow: Nauka, 1964.

همچنین برای دیدن تحقیقات کلی در این زمینه، رجوع کنید به:

R. N. Frye, "The Samanids", in: *The Cambridge History of Iran*, Vol. 4, pp. 136-161.

C. E. Bosworth, "Sāmānids", in: *The Encyclopaedia of Islam*, new edition, Vol. VIII, 1995, pp. 1025-1029.

N. N. Negmatov, "The Samanid state", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. IV, pt. 1, ed. by M. S. Asimov and C. E. Bosworth, Paris: UNESCO, 1998, pp. 77-94.

E. A. Davidovich, "The Karakhanids", in: *Ibid.*, pp. 119-143; P. B. Golden, "The Karakhanids and early Islam", in: *The Cambridge history of early Inner Asia*, ed. by D. Sinor, Cambridge: Cambridge University Press, 1990, pp. 343-370.

به ویژه رجوع کنید به دو مقاله ب. د. کاکف:

"Les frontières du royaume des Karakhanides", in: *Études karakhanides*, Tachkent-Aixen-Provence, 2001 (Cahiers d'Asie centrale, No. 9), pp. 41-48.

و نقشه‌ای در صفحه ۷۰ مقاله فوق که اهمیت ویژه‌ای برای مشخص کردن مرزهای خاقانات قراخانیان دارد و  
"La chronologie et la généalogie des Karakhanides du point de vue de la numismatique", in: *Ibid.*, pp. 49-69.

#### نقشه‌های ۱۳-۱۷

نقشه ۱۳ تا حدی بر مبنای نقشه "Map showing the extent of the Ghaznavid empire in 1030 A. D." (نقشه نشان‌دهنده وسعت امپراتوری غزنوی در سال ۱۰۳۰م) ترسیم شده است که در پیوست کتاب زیر آمده:

C. E. Bosworth, *The Ghaznavids: Their empire in Afghanistan and eastern Iran, 994:1040*, Edinburgh: Edinburgh Univ. 1963.

این نقشه در کتاب زیر بازنشر شده است:

*The Cambridge History of Iran*, Vol. 4, Cambridge University Press, 1975, p. 167.

نقشه ۱۷ تا حدی بر مبنای این نقشه است (که در نسخه جدید این اطلس به عنوان نقشه ۴۱ نام گذاری شده است):  
"The Khwārazm Shahs and Ghurids", by C. E. Bosworth in *An Historical Atlas of Islam*, map 24 (b).

برای دیدن تحقیقات کلی، رجوع کنید به:

C. E. Bosworth, "The political and dynastic history of the Iranian world (A. D. 1000-1217)", in: *The Cambridge History of Iran*, Vol. 5, Cambridge University Press, 1968, pp. 1-202.

C. E. Bosworth, "The Ghaznavids", in: *History of civilizations of Central Asia*, Vol. IV, pt. 1, Paris: UNESCO, 1998, pp. 95-117.

A. Sevim and C. E. Bosworth, "The Seljuqs and the Khwarazm Shahs", in: *Ibid.*, pp. 145-175.

K. A. Nizami, "The Ghurids", in: *Ibid.*, pp. 177-190.

D. Sinor, "The Kitan and the Kara Khitay", in: *Ibid.*, pp. 227-242.

#### نقشه‌های ۱۸-۲۰

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت، اما از نقشه‌های زیر استفاده شده است:

V. L. Egorov, *Istoricheskaya geografiya Zolotoy Ordı v XIII-XIV vv.*, Moscow: Nauka, 1985, maps 1-2 (after p. 232).

برای دیدن تحقیقات کلی درباره این دوره، رجوع کنید به:

J. A. Boyle, "Dynastic and political history of the Il-Khans", in: *The Cambridge History of Iran*, Vol. 5, Cambridge University Press, 1968, pp. 303-421.

همچنین رجوع کنید به:

M. Biran, *Qaidu and the rise of the independent Mongol state in Central Asia*, Surrey: Curzon, 1997.

(نقشه صفحه ۱۱۵ این منبع برای نقشه ۱۹ در این کتاب به کار رفته است.)

#### نقشه‌های ۲۱-۲۴

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت. برای دیدن تحقیقات کلی درباره این دوره، رجوع کنید به:

B. F. Manz, *The rise and rule of Tamerlane*, Cambridge: Cambridge Univ. Press, 1989 (and a map on p. 26).

و سه فصل از منبع زیر:

H. R. Roemer, *The Cambridge History of Iran*, Vol. 6, Cambridge: Cambridge University Press, 1986 ("The Jalayirids, Muzaffarids and Sarbadārs", pp. 1-41; "Timūr in Iran", pp. 42-97; "The successors of Timūr", pp. 98-145).

نقشه (نقشه ۱۹۷۱ مارس) Map of Asia was used published, by the National Geographic Society (March 1971) به عنوان مبنای نقشه ۲۳ به کار رفته است.

#### نقشه‌های ۲۵-۳۱

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت، اما از نقشه‌های زیر استفاده شده است:

"Kazakhskoe khanstvo v XV-XVII vv.", in: *Istoriya Kazakhstana*, Vol. 2, Almatı, 1997, p. 313.

"Kazakhstan v XVIII v.", in: *Istoriya Kazakhskoy SSR*, Vol. 3, Alma-Ata, 1979, after p. 81.

"Kazakhstan v pervoy polovine XIX veka", in: *Ibid.*, after p. 186.

برای نقشه ۳۰ از نقشه زیر استفاده شده است:

I. Stebelsky, "The frontier in Central Asia", in: *Studies in Russian historical geography*, Vol. 1, Academic Press, 1983, p. 150 ("The Siberian defence line").

برای دیدن تحقیقات کلی درباره این دوره، رجوع کنید به:

R. McChesney, "Central Asia VI: In the 10th-12th/16th-18th centuries", in: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V, 1992, pp. 176-193.

Yu. Bregel, "Central Asia VII: In the 12th-13th/18th-19th centuries", in: *Ibid.*, pp. 193-199.

منبع زیر حاوی هیچ نقشه‌ای نیست، اما برای ترسیم نقشه سیاسی دشت قبچاق در قرون ۱۵-۱۷م اهمیت دارد:

V. V. Trepavlov, *Istoriya Nogayskoy ordi*, Moscow, 2001.

#### نقشه ۳۲

تا حدی بر پایه نقشه ارائه شده در منبع زیر:

N. A. Khalfin, *Politika Rossii v Sredney Azii (1857-1868)*, Moscow: Nauka, 1960.

برای دیدن تحقیقات کلی درباره این دوره، رجوع کنید به:

Yu. Bregel, "Central Asia VIII: The Russian conquest of Central Asia and the first decades of Russian rule", in: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V, 1992, pp. 199-205.



### نقشه ۳۳

برپایه نقشه ارائه شده در کتاب:

V. Lobachevskiy, *Voенno-statisticheskoe opisanie Turkestanского voennogo okruga: Khivinskiy rayon*, Tashkent, 1912,

و نقشه "Khorezm in the 17th–early 19th centuries" در پیوست کتاب زیر که از سوی یوری برگل، لیدن: بریل، در سال ۱۹۹۹ از زبان جغتایی ترجمه و یادداشت‌نویسی شده است:

Shir Muhammad Mirab Munis and Muhammad Riza Mirab Agahi, *Firdaws al-iqbāl: History of Khorezm*.

### نقشه ۳۴

این نقشه تا حدی بر مبنای نقشه "Sredniaya Aziya v XVII veke" آسیای مرکزی در سده هفدهم در پیوست کتاب زیر:

*Materiali po istorii Uzbekskoy, Tajikskoy i Turkmenskoy SSR: chast' I: Torgovlia s Moskovskim gosudarstvom i mezhdunarodnoe polozenie Sredney Azii v XVI-XVII vv.*, Leningrad, 1932,

و نقشه ارائه شده در مقاله زیر ترسیم شده است:

A. N. Zelinskiy, "Drevnie puti Pamira", in: *Strani i narodi Vostoka: Geografiya, ètnografiya, istoriya*, Moscow: Nauka, 1964 (after p. 106).

برای دیدن کارهای کلی درباره تجارت آسیای مرکزی در قرون ۱۶-۱۷م، رجوع کنید به:

A. Burton, *The Bukharans: A dynastic, diplomatic and commercial history, 1550-1702*, New York: St. Martin's Press, 1997, pp. 363-543.

### نقشه ۳۵

بخشی از این نقشه که مناطق شمالی بخش بالایی آمودریا را نشان می‌دهد، برپایه نقشه‌های ارائه شده در کتاب زیر است:

B. Kh. Karmisheva, *Ocherki ètnicheskoy istorii yuzhnikh rayonov Tajikistana i Uzbekistana*, Moscow: Nauka, 1976, pp. 42-43, 74-75, 88-89.

برای دیدن بخش مرکزی حوزه زرافشان، رجوع کنید به نقشه ارائه شده در این منبع:

*Ètnograficheskie ocherki uzbekskogo sel'skogo naseleniya*, Moscow: Nauka, 1969, p. 23.

بخش مربوط به مناطق شمالی افغانستان جدید در این نقشه برپایه منبع زیر است:

G. Jarring, *On the distribution of Turk tribes in Afghanistan*, Lund–Leipzig, 1939.

بخش مربوط به فرغانه نیز تا حدی برپایه نقشه قومی فرغانه، گردآورده دانیل پریور (از دانشگاه ایندیانا) است.

### نقشه‌های ۳۶ (الف و ب)

هیچ نقشه‌ای به عنوان مینا نداشت، اما تا حدی از نقشه‌های ارائه شده در مقاله زیر استفاده شده است:

Yu. Bregel', "Ètnicheskaya karta Yuzhnoy Turkmenii i Khorasana v XVII-XVIII vv.", in: *Kratkie soobshcheniya Instituta ètnografii AN SSSR*, Vol. XXXI, Moscow, 1959, pp. 14-26.

### نقشه ۳۷

این نقشه عمدتاً بر مبنای نقشه "Karta rasseleniya rodoplemennikh grupp turkmen v dorevoliutsionniy period" (اسکان مجدد ایلات ترکمن) ارائه شده در کتاب زیر است:

*Narodi Sredney Azii i Kazakhstana*, II, Moscow, 1963, after p. 16.

به همراه اضافاتی از منابع دیگر برای مناطق فراتر از مرزهای شوروی سابق.

### نقشه ۳۸

برپایه نقشه‌های ارائه شده در کتاب:

V. V. Vostrov, M. S. Mukanov, *Rodoplemennoy sostav i rasselenie kazakhov (konets XIX–nachalo XX v.)*, Alma-Ata: Nauka, 1963, pp. 115, 123, 130, 133, 141, 146, 150, 156, 161, 167, 171, 176, 180, 184, 188, 192, 197, 202, 207, 211, 216, 220, 225, 229, 234, 239,

[به همراه اضافات مترجم درباره قزاق‌ها در سین کیانگ].

### نقشه ۳۹

برپایه نقشه‌های زیر:

"Karta dorevoliutsionnogo rasseleniya rodoplemennikh grupp kirgizov", in: *Narodi Sredney Azii i Kazakhstana*, II, Moscow, 1963, after p. 176,

و نقشه "Rodoplemennoy sostav kirgizov Sin'tszian-Uygurskoy avtonomnoy oblasti Kitayskoy Narodnoy Respubliki" ارائه شده از سوی س. م. ابرامزون در *Trudi Kirgizskoy arkheologo-ètnograficheskoy èkspeditsii*, Vol. II, 1959, after p. 332.

#### نقشه ۴۰

این نقشه بر مبنای نقشه "Plan Bukharī VIII-XIX vv." ارائه شده از سوی ا. ج. بلشاکف در پیوست کتاب *Collected Works* نوشته و. و. بارتولد (با اصلاحاتی بر پایه بازنگری انجام شده به وسیله ا. ا. دیویدویچ در کتاب *Drevnost' i srednevekov'e narodov Sredney Azii (istoriya i kul'tura)*, Moscow: Nauka, 1978, pp. 104-111 و بیانات شفاهی ا. ایمارک) و ترکیب آن با نقشه ارائه شده از سوی ا. ا. سوخاریوا در کتاب زیر است:

*K istorii gorodov Bukharskogo khanstva (istoriko-ètnograficheskie ocherki)*, Tashkent, 1958, after p. 96.

اطلاعات ساختمان‌های دولتی (روی نقشه) و شرایط بخارا در قرن ۱۹م (داخل متن) بر پایه کتاب‌های سوخاریوا هستند:

*Bukhara: XIX–nachalo XX v. (Pozdnefeodal'nij gorod i ego naselenie)*, Moscow: Nauka, 1966.

*Kvartal'naya obshchina pozdnefeodal'nogo goroda Bukharī (v svyazi s istoriej kvartalov)*, Moscow: Nauka, 1976.

#### نقشه ۴۱

این نقشه بر پایه نقشه "Plan Samarkanda IX-XIX vv." ارائه شده از سوی ا. ج. بلشاکف در پیوست کتاب *Collected Works* نوشته و. و. بارتولد، و نقشه "Oboronitel'nie stenī Samarkanda" تهیه شده از سوی ا. ا. سوخاریوا در مقاله زیر است:

*Kul'tura i iskusstvo narodov Sredney Azii v drevnosti i srednevekov'e*, Moscow: Nauka, 1979, pp. 85-95 and ill. 34 on p. 170.

#### نقشه ۴۲ (الف و ب)

بر مبنای نقشه‌های ارائه شده در کتاب:

L. Man'kovskaya, V. Bulatova, *Pamiatniki zodchestva Khorezma*, Tashkent, 1978 (ill. 29: "Gorod Khiva. Skhema raspolozheniya pamiatnikov" and ill. 30: "Ichan-kala. Skhema raspolozheniya pamiatnikov")

و نقشه خیوه در کتاب:

*Khiva: Plan goroda*, Tashkent, 1991.

#### نقشه ۴۳

هیچ نقشه‌ای به عنوان مبنا نداشت، اما از نقشه‌های زیر استفاده شده است:

"Karta-skhema raspolozheniya pamiatnikov arkhitekturi Sredney Azii", in: G. A. Pugachenkova, *Sredniaya Aziya: Spravochnik-putevoditel'*, Moscow: Iskusstvo, 1983, pp. 426-427.

L. Yu. Man'kovskaya, *Arkhitekturnye pamiatniki Kashkadar'i*, Tashkent: Uzbekistan, 1979, p. 19.

L. Man'kovskaya, V. Bulatova, *Pamiatniki zodchestva Khorezma*, Tashkent, 1978, map on p. 87.

W. Ball and J.-C. Gardin, *Archaeological gazetteer of Afghanistan*, t. II, Paris, 1982, maps 78-116.

#### نقشه ۴۴

برای مرزهای حکومتی بر مبنای نقشه ارائه شده در منبع زیر:

V. I. Masal'skiy, *Turkestanskiy kray*, St. Petersburg, 1913 (Rossiya. Polnoe geograficheskoe opisanie nashego otechestva, Vol. XIX).

#### نقشه ۴۵

عمدتاً بر مبنای نقشه‌های ارائه شده در کتاب:

*Grazhdanskaya vojna i voennaya interventsia v SSSR: Èntsiklopediya*, Moscow: Sovetskaya èntsiklopediya, 1983.

(به طور خاص نقشه‌های بعد از ص ۲۰۸، ۳۷۷ و ۳۷۹).

#### نقشه ۴۶

بر مبنای نقشه‌های زیر:

(1) *Administrativnaya karta RSFSR. Aziatskaya chast'*, Petrograd, [1923].

(2) *Administrativnaya karta RSFSR. Aziatskaya chast'* [2nd ed, borders as of May 1, 1923], Petrograd, 1923.

(3) *Administrativnaya karta RSFSR. Aziatskaya chast'* [4th ed, borders as of July 1, 1924].

(4) *Administrativnaya karta SSSR. Aziatskaya chast'* [5th ed, borders as of November 20, 1924].

(5) *Administrativnaya karta SSSR. Aziatskaya chast'* [10th ed, borders as of September 1, 1925].

(6) *Administrativnaya karta SSSR. Aziatskaya chast'* [11th ed, borders as of January 1, 1926].

این نقشه بر مبنای نقشه "Kazakhstan i Sredniaya Aziya" در Atlas SSSR, Moscow, 1984 (با اصلاحاتی بر مبنای نقشه‌های آسیای مرکزی در اطلس جهانی تایمز، ویرایش جامع نهم، لندن ۱۹۹۴، ص ۲۷ و ۴۳) است. خطوط لوله نفت خام و گاز طبیعی مطابق با نقشه زیر ترسیم شده‌اند: Oil and gas infrastructure in the Caspian Sea region, Central Intelligence Agency, March 2001. Crude oil infrastructure in FSU Central Asia and Natural gas infrastructure in FSU Central Asia.

(دو مورد آخر در اینترنت در دسترس است).

## راهنمای نقشه‌ها

	رودخانه و کانال
	رودهای فصلی و بسترهای خشک رودخانه‌ها
	دریاچه‌ها
	دریاچه‌های دارای سواحل متغیر
	شوره‌زارها و باتلاق‌ها
	کوه‌ها
	پرتگاه‌ها
	بیابان‌ها
	واحه‌ها
	راه‌های تجاری
	راه آهن
<b>KHOREZM</b>	نام استان‌های تاریخی
<b>SAMANIDS</b>	نام ایالت‌ها و سلسله‌ها
<b>OGHUZ</b> <b>WUSUN</b>	نام اقوام
	پایتخت
	جنگ